روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰ • ۲۲ رمضان ۱۴۴۲ • ۵ می ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۳۹۹۴ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۴
اذان صبح فردا ۴:۳۲ • طلوع آفتاب ۶:۰۷

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

مراسم احیای شب بیست‌ویکم رمضان با حضور کادر درمان و بیماران در بیمارستان موسوی شهر زنجان برگزار شد. عکس: مهدی الماسی، مهر

تجربه ما

کارگران کودکی که دیده نمی‌شوند

زهرا جوهرچی . فعال حقوق کودکان

کودکان بسیاری در سراسر جهان و کشور ما ایران صبح خود را نه در کلاس درس، بلکه در کارگاه‌ها، مزارع و گاه بر سر کارهایی غیررسمی و بی‌نام‌ونشان مثل دست‌فروشی و تفکیک زباله‌های خیابان آغاز می‌کنند. اغلب این نان‌آوران کوچک نه شامل حمایت قانون کار می‌شوند و نه به‌عنوان کارگر حقوقی دارند و اصلا دیده می‌شوند. به موجب ماده ۸۰ قانون کار، کارگری که سن او بین ۱۵ تا ۱۸ سال باشد، کارگر نوجوان نامیده می‌شود.

ماده ۷۹ همان قانون (۱۳۶۹) به‌کارگرفتن افراد زیر ۱۵ سال را ممنوع اعلام کرده است. به موجب قانون نوجوانانی که در کارگاه‌های زیر نظر اداره کار شاغل‌اند، باید برگه سلامتی داشته باشند. قانون کارفرما را موظف می‌کند آزمایش‌های سلامتی جسمی و روحی پرسنل خود را در طول مدت اشتغال پیگیری کند؛ اما این مقررات، به موجب ماده ۱۸۸ و ۱۹۱ قانون کار، شامل کارگاه‌های خانوادگی و کارگاه‌هایی که کمتر از ۱۰ نفر شاغل دارند، نمی‌شود. در این‌گونه کارگاه‌ها کارفرما به‌راحتی می‌تواند کارگر را اخراج یا از پرداخت دستمزد و سایر حقوق تعیین‌شده در قانون خودداری کند. در بسیاری از کارگاه‌های قالی‌بافی، سراجی، تولیدی‌های پوشاک و... که تحت پوشش قوانین کار نیستند، از نیروی کار ارزان دختران و پسران نوجوانی استفاده می‌شود که نه قانون آنها را به حساب می‌آورد و نه کسی آنان را به چشم می‌بیند. کودکان کارگری که با خانواده‌های خود زندگی می‌کنند، خوش‌شانس‌تر از کودکانی هستند که به فروش می‌رسند یا اجاره داده می‌شوند و دست کارفرما، به دور از چشم قانون، برای واداشتن آنها به هر کار سخت، غیرمشروع یا غیرقانونی باز است. خبرگزاری تسنیم در سال ۹۶ از فروش کودکان بعضا بیمار به قیمت صد تا ۲۰۰ هزار تومان گزارش داد، در بعضی مناطق، نوزادانی را که از آنها برای تکدی‌گری استفاده می‌شود، گاهی به قیمت هفته‌ای پنج هزار تومان به اجاره می‌دهند. در تاریخ ۲۲ خردادماه ۱۳۹۹، در اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی با تأیید شورای نگهبان قانونی در حمایت از کودکان و نوجوانان به تصویب رساند. به موجب بند ث این مصوبه به‌کارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان و وادارکردن او به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی برای او مضر یا خطرناک باشد، ممنوع است. بند ج همین قانون، خریدوفروش یا هرگونه اقدام غیرقانونی را که به موجب آن طفل یا نوجوان در ازای وجه یا امتیاز و سایر موارد در اختیار دیگری قرار می‌گیرد، منع می‌کند. رکود اقتصادی و افزایش تورم در ایران و شیوع بیماری کرونا منجر به تعطیلی کارگاه‌ها و بی‌کاری بسیاری از کارگران شد و روزگار مشقت‌بار خانواده‌های کارگری را سخت‌تر کرد. به همین سبب، کودکان در ازای مزد کمتر به جای پدر یا مادر بی‌کارشده، مشغول به کار شدند. آنلاین‌شدن مدارس و قرنطینه خانگی نه‌تنها خشونت خانگی را افزایش داد، بلکه ساعات کار کودکان را هم بیشتر کرد. کودکان کارگر، چه در مزارع و کارگاه‌های بزرگ و کوچک به کار مشغول باشند و چه در خیابان بدون دریافت مزد کودکی و نوجوانی خود را تلف می‌کنند یا در مراکز پرخطری کار کنند که مواد شیمیایی یا الکتریکی سلامتی‌شان را تهدید می‌کند یا کارگاه‌هایی که بهداشت محیط زیست در آنها رعایت نمی‌شود، مانند کارگاه‌های کیف‌وکفش‌دوزی در زیرزمین‌های نمور که بوی چسب و تینر آزاردهنده و گاه کشنده است، نه‌تنها از درس و مدرسه و تفریح دوران کودکی جا می‌مانند بلکه بزرگسالی پرمشکلی نیز خواهند داشت؛ چراکه زندگی ناامن، دلبستگی ناایمن را برایشان رقم می‌زند. بهره‌کشی از کودکان سال‌هاست که مورد بحث فعالان حقوق کودک است. سال ۲۰۲۱ از سوی سازمان ملل به‌عنوان سال بین‌المللی حذف کار کودک نام‌گذاری شده است و تمام کشورهای جهان موظف به اقدامات فوری و مؤثر برای ممنوعیت کار کودک خصوصا بدترین اشکال آن شده‌اند. زباله‌گردی کودکان که به فور در شهر عیان است، از بدترین اشکال کار کودک محسوب می‌شود. ما امیدواریم با مدیریت صحیح پسماند و تفکیک زباله از مبدأ پایان این کار کثیف را شاهد باشیم. از آنجا که مهم‌ترین علت کار کودکان، فقر خانواده‌ها و نبود حمایت‌های دولتی است، باید با تأمین شغل برای سرپرستان خانوار، پشتیبانی مالی خانواده‌ها و تأمین آموزش و پرورش رایگان، قدم‌هایی در راستای حذف کار کودکان برداشته شود. اول ماه می برابر با یازدهم اردیبهشت، روز جهانی کارگر است. با امید به اینکه روزی فرا رسد که مطالبات برحق کارگران برآورده و شرایط زندگی مناسب برایشان فراهم شود و دیگر هیچ کودکی به جای مدرسه در کارگاه، گودهای زباله و خیابان در جست‌وجوی نان برای خانواده نباشد.

زیر آسمان

درسوریه خبری از کرونا نیست؟

دومین شب قدر در دومین سال همه‌گیری کرونا در حالی پشت سر گذاشته شد که در گوشه و کنار شهرهای مختلف آیین‌های شب‌زنده‌داری برپا بود. در این روزهای سیاه که چشم‌ها بیشتر از هر وقت دیگری پر از اشک و دل‌ها پرغم است، بسیاری نیز تصمیم گرفتند در خلوت به شب‌زنده‌داری بپردازند و برخی سراغ تلویزیون رفتند. شبکه دو، در لحظاتی هم‌زمان حرم حضرت معصومه(س) و حضرت زینب(س) در دمشق را نشان می‌داد؛ تفاوت زیادی بین این دو مکان وجود دارد، در سوریه نیایش‌کنندگان و زائران بدون ماسک در کنار هم نشسته بودند و به سخنان روحانی مراسم گوش سپرده بودند یا به زیارت می‌پرداختند و جمعیت زیاد و فشرده بود. این سؤال مطرح بود که آیا کرونا در آنجا نیست یا مردم با واکسیناسیون عمومی، ایمن هستند؟ در قم، گروه شش‌نفره تواشیح‌خوانان با ماسک‌های مشکی در گوشه‌ای نشسته بودند و عبارت الغوث الغوث را تکرار می‌کردند و مردم در فضای باز ضریح حضرت معصومه(س) با فاصله زیاد از یکدیگر قرار داشتند و به دعا و مناجات مشغول بودند.

عده‌ای هم تصمیم گرفتند در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام و کلاب‌هاوس در برنامه‌های خاص شب‌های قدر شرکت کنند. یک ویژگی برپایی شب قدر مجازی در کلاب‌هاوس تنوع فراوان آن، صحبت‌ها و زاویه دید مختلف برگزارکنندگان و مجریان اتاق‌های مختلف بود که به‌صورت متوالی اجرا شد. به‌طوری‌که می‌شد حداقل دو، سه بار قرآن بر سر گرفت و پای راز و نیاز ایرانی‌ها سراسر جهان نشست.

یادبود

۷ روز پس از وداع با «مرتضی مصفا»، کهن‌سال‌ترین دندان‌پزشک ایرانی

از دندان عقل تا دندان عشق

حمیدرضا محمدی: کهن‌سال‌ترین دندان‌پزشک ایرانی بود و شاید از معدود ورودی‌های باقی‌مانده نیمه نخست دهه ۲۰ دانشگاه تهران. هنوز وقتی صحبت می‌کرد ته‌لهجه‌اش نشان می‌داد از نصف جهان برخاسته است. تبارش همه اهل فضل و فخر بودند. پدرش، میرزا آقاخان ملقب به محاسب‌الدوله مهندس بود؛ بانی مدرسه عَلیّه در اصفهان. «مرتضی مصفا» (۱۳ فروردین ۱۳۰۲، اصفهان - ۷ اردیبهشت ۱۴۰۰، تهران)، در سالی که دانشکده دندان‌پزشکی دانشگاه تهران تأسیس شد، تحصیل در آنجا را آغاز کرد؛ یعنی سال ۱۳۲۲؛ دوره‌ای که خودش می‌گفت دیگر از هم‌دوره‌ای‌هایش کسی نمانده است. او آخرین بود؛ آخرین بازمانده دورانی طلایی؛ دورانی که طبابت از عشق سرشار بود و آنها سرشار از عشق به طبابت.

او ۹۸ سال زیست و ۷۸ سالش را در فضایی آکنده از شوق برای درمان درد دردمندان گذراند و لحظه‌ای از آن عدول نکرد. او از نسل دندان‌سازی به دندان‌پزشکی رسیده بود و البته عجیب خاطراتی داشت از روزگاری که هنوز خبری از دندان‌پزشکی نبود. خودش می‌گفت حتی دندان‌ساز هم نبود و در همه اصفهان، تنها یک دندان‌ساز ارمنی کار می‌کرد. همین رنج ناشی از درد دندان در روزگار کودکی او را به درمان این درد سوق داد. او اما فقط یک دندان‌پزشک نبود، استاد بود و استادی دانشگاه می‌کرد. وقتی تنها ۲۶ سالش بود، به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران درآمد و ۲۶ سال در این کسوت باقی ماند. در این سال‌های آخر اگرچه هنوز آکنده از شور درمانگری بود اما با ملاحظات ناشی از کبر سن، دست‌افزار دندان‌پزشکی را به کناری نهاده بود و دلسوزانه سرگرم تنظیم و تدوین تاریخ این رشته در فرهنگستان علوم پزشکی شده بود. او تاریخ گویای دندان‌پزشکی ایران بود و می‌خواست چیزی برای اطبای جوان باقی بماند.

دکتر مصفا که در جایی صریح گفته بود «در بین جامعه دندان‌پزشکان من به اخلاق، صفر می‌دهم»، اما خود طبیبی اخلاق‌گرا بود و نزدیک به یک قرن اخلاق‌مند زیست.

سلام به فردا

انتقادهای بی‌مخاطب!

علی میرزامحمدی
جامعه‌شناس

نگاهی به سایت‌ها، روزنامه‌ها، مطالب فضای مجازی، رسانه‌های رسمی و حتی مذاکرات و نطق‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی و سخنان دولتمردان کشور نشان می‌دهد تقریبا همه در حال انتقاد از اوضاع کشور هستند. این رویه با جلوه‌هایی دیگر در محاورات روزمره مردم هم جریان دارد. همه در حال انتقاد هستند، اما حساسیت عمومی به این انتقادها بسیار پایین است و تقریبا هیچ‌کس آنها را جدی نمی‌گیرد؛ انتقادهایی که مخاطبان آنها گم شده‌اند؛ انتقادهای بی‌مخاطب! اما چرا حساسیت عمومی به انتقاد در جامعه ما کاهش یافته است؟ پاسخ این پرسش را باید در ساختار انتقادها جست‌وجو کرد. انتقاد چندین جزء انسانی و مفهومی دارد: منتقد، طرف انتقاد، محتوای انتقاد، افکار عمومی و پیگیران انتقاد برای اصلاح موارد انتقاد. وقتی اجزای انسانی و مفهومی انتقاد در جای واقعی خود قرار نگیرند و برخی اجزای آن حذف شوند یا برخی اجزای آن با همدیگر ادغام شوند، به جای انتقاد واقعی با پدیده‌ای مواجه خواهیم بود که ما در این نوشتار آن را «انتقادبازی» نامیده‌ایم. اجازه دهید برخی جلوه‌های انتقادبازی را بازخوانی کنیم.

- نمایش انتقاد: یکی از مهم‌ترین جلوه‌های انتقادبازی، «نمایش انتقاد» است. در نمایش انتقاد، منتقد و طرف انتقاد در یک سناریوی از پیش طراحی‌شده نقش‌آفرینی می‌کنند و به افکار عمومی چنین القا می‌شود که ببینید چه انتقادهای تندی علیه فرد انجام شد و ایشان چگونه با تسامح و مدارا برخورد کردند. نمایش انتقاد رویه‌ای متداول در هنگام انتخابات است. برخی سیاست‌پیشه‌ها با این رویه، محبوبیت خود را در افکار عمومی افزایش می‌دهند.

- ادغام منتقد و طرف انتقاد: جلوه دیگر انتقادبازی، ادغام منتقد و طرف انتقاد در همدیگر است. به این معنا که فرد در حوزه‌ای که می‌تواند در معرض انتقادهای شدید افکار عمومی قرار بگیرد، خود پیشگام می‌شود و به ایراد انتقادهای تند می‌پردازد. برای مثال دولتمردی که وظیفه او رسیدگی به اوضاع اقتصادی و کاهش شکاف طبقاتی و فقر است، خود سخنرانی آتشین ترتیب می‌دهد و از شرایط موجود کشور در همان بخش انتقاد می‌کند. او به این شیوه در جایگاه یک منتقد، از بار فشار روانی ناشی از عدم کارایی و بی‌کفایتی خود در کنترل اوضاع می‌کاهد. او به تعمد می‌خواهد افکار عمومی فراموش کنند که او خود مسئول این اوضاع است و مخاطب این انتقادها خود اوست و نه کس دیگر.

- انتقاد باج‌گیرانه: جلوه دیگر انتقادبازی، انتقادهای باج‌گیرانه است. هدف فرد از طرح چنین انتقادهایی نه اصلاح امور بلکه رسیدن به اهدافی است که منافع فردی یا گروهی را تأمین می‌کند. زمانی که فرد یا گروه در معرض انتقاد، منافع منتقد را تأمین می‌کنند، منتقد، طرح انتقاد را متوقف کرده و ادبیات خود را درباره موضوع تغییر می‌دهد!

- انتقاد افشاگرانه: در انتقاد افشاگرانه، فرد اطلاعاتی را علیه فرد یا گروهی در اختیار دارد، اما طرح آن را به زمانی مناسب به تأخیر می‌اندازد. هدف از انتقادهای افشاگرانه نیز مانند انتقادهای باج‌گیرانه، نه اصلاح امور بلکه پیگیری منافع فردی و گروهی است.

- انتقادهای رفع اتهام: جلوه دیگر انتقادبازی انتقادهایی است که فرد با طرح آن قصد دارد خود را در مجموعه‌ای که رویه‌ای غلط را دنبال می‌کند از اتهام‌های طرح‌شده یا اتهام‌هایی که در آینده به احتمال طرح خواهد شد، تبرئه کند. جلوه‌ای از این انتقادها را می‌توان در سخنان اخیر وزیر بهداشت یافت که برای تبرئه خود درباره خیز آمار بیماران کرونایی انتقادهایی را درباره عدم همکاری مجموعه‌ای که خود نیز بخشی از آن محسوب می‌شود، مطرح کرد. اگر یک مجموعه یا نهاد را به بدن تشبیه بکنیم انتقادهایی از این جنس در مثل بی‌شباهت به این نیست که دست از قلب و کلیه شکوه کند که چرا وظیفه خود را به‌درستی انجام نمی‌دهند که او در کارها درست عمل کند!؟ انتقادهای رفع اتهام، از منظری دیگر نشان‌دهنده تنهایی و انزوای منتقد و عدم کارایی او برای تغییر رویه موجود است.

سیطره این پنج جلوه انتقادبازی در رسانه‌ها، تحلیل‌ها و افکار عمومی موجب می‌شود با وجود بمباران جامعه با انتقادهای فراوان هیچ گوش شنوایی برای شنیدن و جدی‌گرفتن آنها وجود نداشته باشد. مردمان جامعه آلوده به انتقادبازی بیشتر علاقه دارند در جایگاه منتقد باشند؛ چراکه بیان انتقاد آنها را در جایگاه مطالبه‌گر قرار می‌دهد و از بار مسئولیت و پاسخ‌گویی می‌رهاند. اما جوامعی که مسیر پیشرفت را طی می‌کنند، افرادی پرورش می‌دهند که هم منتقد هستند و هم انتقادپذیر. آنها مسئولیت کارهای خود را به دوش می‌کشند و در صورت ارتکاب خطا، از افکار عمومی پوزش می‌خواهند و زمانی که احساس می‌کنند کاری نمی‌توانند از پیش ببرند یا فرد دیگری بهتر از ایشان می‌تواند امور را کنترل کند، استعفا داده و امور را به ایشان می‌سپارند. کوتاه سخن آنکه غلظت و شدت طرح انتقاد به تنهایی نمی‌تواند نشانگر عزم عمومی برای اصلاح امور باشد، بلکه باید انتقاد با هدف اصلاح امور و در قالب ادبیاتی مناسب طرح شود، مخاطبان انتقاد درپی اصلاح امور باشند و افکار عمومی و ناظران روند اصلاح امور را پیگیری و مطالبه کنند.

دغدغه‌های طبیبانه

نوشتن شرط توسعه

عبدالرضا ناصرمقدسی
متخصص مغز و اعصاب

● بیش از یک سال است این یادداشت‌ها را می‌نویسم. وقتی به این یادداشت‌ها نگاه می‌کنم، می‌بینم چه راه طولانی‌ای را طی کرده‌ایم و این یادداشت‌ها، حتی کوتاه و مختصر، نشان‌دهنده مشکلات و دغدغه‌هایی است که کادر درمان در این مدت داشته و دارد. چه خوب بود همه می‌نوشتند؛ آنهایی که در خط اول درمان بوده و هستند مانند پرستاران، متخصصان اورژانس و عفونی و بیهوشی و آنهایی هم که مثل من با تبعات بی‌شمار کووید۱۹ روبه‌رو بودند و مرگ بیمارانشان را دیدند. همه باید بنویسند؛ زیرا این تجربیات باید مانند گنجی به نسل‌های بعدی منتقل شود؛ به‌خصوص که انگار ما هنوز بعد این همه سال، کماکان در مسیر توسعه هستیم و حالا حالاها باید با تمام مشکلات و محرومیت‌ها بجنگیم. نوشتن و انتقال تجربیات، یکی از مهم‌ترین شروط توسعه است؛ اینکه چگونه با یک پاندمی روبه‌رو شدیم، چگونه غافلگیر شدیم و چگونه حتی بعد از یک سال هنوز که هنوز است زیرساخت‌های لازم برای مقابله با این پاندمی را فراهم نیاورده‌ایم. شاید اگر پیشینیان ما درباره تجربیاتشان مثلا در زمان پاندمی آنفلوانزای اسپانیایی می‌نوشتند و بر لزوم توجه بر آن نقصان‌ها تأکید می‌کردند و آن تجارب را به دانشجویانشان انتقال می‌دادند، ما حالا با چنین مصیبتی روبه‌رو نبودیم. یک معلم، یک پزشک یا یک استاد دانشگاه و صاحبان مشاغل دیگر، سال‌های بسیاری را در شغل خود سپری می‌کنند، فرازونشیب‌های زیادی می‌بینند، سختی‌های زیادی متحمل می‌شوند و صدالبته با وجود همه اینها نتایج زیادی نیز کسب می‌کنند، اما هیچ‌کدام داستان زندگی خود را نمی‌نویسند و به‌راحتی راهی که رفتند و مدیریتی که در برخورد با مشکلات داشتند، از یادها می‌رود. این در حالی است که جهان با نوشتن و مکتوب‌کردن مدرن شد. وقتی صنعت چاپ به وجود آمد و گوتنبرگ در حجمی بالا به چاپ کتاب‌ها پرداخت، سواد نیز همگانی شد. مردم فهمیدند باید سواد داشته باشند، باید بخوانند و بدانند و باید جواب بسیاری از سؤالات را در همین کتاب‌ها و نیز در تجارب پیشینیان جست‌وجو کنند. فقط در این صورت است که می‌توان بر جهالت پیروز شد و جامعه‌ای به صلاح داشت. این روزها به‌شدت درگیر واکسیناسیون بیماران ام‌اس هستم. بدون هیچ‌گونه زیرساخت مجهز و بی‌توجه به تمام محدودیت‌ها، واکسیناسیون را شروع کردیم. چاره‌ای نداشتیم. در این موج کرونا تعداد فوتی‌ها از عدد ۴۰۰ در روز گذشت. معلوم نیست پیک بعدی چه بلایی قرار است بر سرمان بیاورد؛ بنابراین با هر مصیبت و سختی‌ای که شده، باید کار واکسیناسیون پیش برود. کادر درمان همه و همه دست به دست هم داده‌اند تا این مهم محقق شود. در غیر این صورت باز با مرگ‌های بیشتری روبه‌رو خواهیم بود. بیماری با هیچ‌کسی شوخی ندارد. نداشتن تجربه باعث شد در چند روز اول با مشکلات زیادی روبه‌رو شویم؛ تخمین‌مان از تعداد مراجعه‌کنندگان غلط بود و در ضمن مکان مناسب برای تزریق وجود نداشت و مجبور شدیم از فضاهای دیگر برای این کار استفاده کنیم. بااین‌حال، پس از تحلیل بحران توانستیم به‌سرعت نقاط ضعف خود را فهمیده و سعی در حل آن کنیم. همین موضوع باعث شد روند واکسیناسیون نظم بهتری به خود بگیرد و بیماران با استرس کمتری واکسینه شوند. داشتم با خودم فکر می‌کردم کار من درمان است، من مدیریت بحران نخوانده‌ام، چیز زیادی هم از کارهای اجرائی نمی‌دانم، اما اکنون و در شرایط پیش‌آمده باید این بحران را مدیریت کنم. ای‌کاش راهنمایی وجود داشت که طبق آن عمل می‌کردیم. این راهنما و دستورالعمل، حاصل تلاش‌ها و تجربیات افراد قبلی در بحران‌های مشابه است؛ راهنمایی که نوشته نشده و باعث شده همان مشکلات بار دیگر تکرار شود. امیدوارم این بار این نقص بزرگ تکرار نشود. کادر درمان نه‌تنها بیشترین خدمت را در این پاندمی ارائه داد، بلکه هزینه بسیاری هم داد. حالا وقتش هست که تمام تجربیات خود را سروسامان داده و برای استفاده آیندگان به چاپ برساند. وقتی در پاندمی بعدی همه چیز طبق نظم و قاعده پیش رود، آن‌وقت می‌فهمیم ما هم داریم مسیر توسعه را به‌درستی طی می‌کنیم. پاندمی بعدی قطعی به نظر می‌رسد و گریزی از آن نیست، اما می‌توان از سوءمدیریت‌ها، جهالت‌ها و ندانستن‌ها جلوگیری کرد.

اتفاق

ناسا: مایکل کالینز از فضانوردان مأموریت آپولو ۱۱ به ماه، درگذشته است و برای او چند مراسم بزرگداشت مجازی برگزار شد. او یکی از سه خدمه اولین مأموریت انسانی به ماه است که در سال ۱۹۶۹ انجام شد. او که بر اثر سرطان درگذشت، در جریان این مأموریت در مدار ماه ماند تا همکارانش نیل آرمسترانگ و باز آلدرین بر سطح ماه فرود آیند.

بی‌بی‌سی: ملکه پس از برگزاری مراسم عزاداری همسرش پرنس فیلیپ، به سر کار خود بازگشته است. ملکه ۷۳ سال پیش با فیلیپ ازدواج کرده بود و او را «تکیه‌گاه» خود می‌خواند. ملکه چند روز پس از مرگ همسرش، نودوپنجمین سالروز تولدش را بدون سروصدا و خصوصی جشن گرفت.

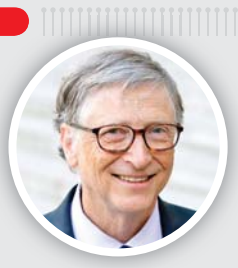

یورونیوز: همچنان بحث خودخواهی یا تعقل بیل گیتس در شبکه‌های اجتماعی ادامه دارد. بنیان‌گذار مایکروسافت در مصاحبه با اسکای‌نیوز در پاسخ به اینکه «آیا بهتر نیست حق مالکیت معنوی دستور ساخت واکسن از بین برود و این فرمول‌ها در اختیار جهان قرار گیرد؟» سریعا پاسخ منفی داده بود.

الجزیره: پس قتل «فرح حمزه اکبر»، زن کویتی به دست مردی آزارگر، کارزاری برای توقف خشونت علیه زنان در این کشور به راه افتاده است. مرد آزارگر بعد از ربودن، فرح را با ضربات چاقو از پای درآورد و او را در آستانه مرگ در برابر بیمارستانی رها کرد. خانواده بارها از او به پلیس شکایت کرده بودند.

یواس‌ای‌تودی: آیا ماسک‌زدن برای کودکان نوعی کودک‌آزاری است؟ این سؤال پس از آن مطرح شد که دکتر فائوچی هشدار داد بچه‌ها ممکن است تا پایان سال مجبور باشند در فضای باز ماسک بزنند. مرکز بهداشت آمریکا به همه افراد غیرواکسینه‌شده مانند کودکان توصیه کرده ماسک بزنند و فائوچی توضیح داد دلیل این توصیه، آلودگی گسترده جامعه بوده است.

یاهونیوز: به دنبال شکایت جف بزوس از ناسا درباره سپردن پروژه فرود بر ماه به تشکیلات اسپیس‌ایکس به رهبری ایلان ماسک، این پروژه تا اطلاع ثانوی و تعیین تکلیف آن متوقف می‌شود. ایلان ماسک، جف بزوس را خطاب توییتری خود قرار داده و گفته آنها حتی نمی‌توانند به مدار ماه نزدیک شوند، چه برسد به نشستن بر سطح آن!